

# ویژگی‌های تاریخ شرق

## هوشنگ ماهرویان

اصطلاح جوامع شرقی یا جوامع آسیائی در قرون شانزدهم و هفدهم با مسافرت‌های تجاری و کشف هند، چین و خاور نزدیک در مغرب زمین باب شد. مسافران غربی با دیدن این تمدن‌ها خودبه‌خود آن‌ها را با جوامع خودشان قیاس می‌کردند. در این مقایسه بود که اصطلاح دیگری باب شد: استبداد شرقی یا استبداد آسیائی.

پژوهشگران غربی با سفر به شرق استبداد شرقی را هم کشف کردند. این به معنی آن نیست که آن‌ها در تاریخ خود استبداد را تجربه نکرده بودند. نوع استبداد شرقی با حکومت‌های مستبده غربی متفاوت بود. استبداد شرقی طولانی و دائمی بود. ریشه‌ی استبداد به همه جا گسترده بود. پنداشته می‌شد که جامعه‌ی شرقی و استبداد در هم تنیده و یگانه شده‌اند. مهم‌تر از همه در غرب استبداد با زور و شمشیر تحمیل می‌شد، از این رو دوام نداشت. در صورتی که در شرق به زبان ماسک‌ویر استبداد مشروعیت داشت. مشروعیت‌اش ایجاد و نگهداری تأسیسات آبیاری بود. بدون این تأسیسات کشاورزی ممکن نبود.

اصحاب علم اقتصاد هم چون *آدام اسمیت* حکومت‌های شرقی را دارندگان زمین‌های وسیع کشاورزی خواندند و اصحاب علم سیاست و حقوق هم چون *منتسکیو* به شکل حکومت شرقی یعنی استبداد شرقی دقت کردند و به مقایسه‌ی حکومت‌های شرقی و غربی پرداختند. کتاب *روح القوانين* منتسکیو اولین مطالعه‌ی جدی تطبیقی بین حکومت‌های شرقی و غربی بعد از *رنسانس* است.

بالاخره مشاهده‌ی این جوامع بود که مشکل کشاورزی آن‌ها و تأسیسات آبیاری را مورد توجه قرار داد. همین امر یعنی تولید کشاورزی و ضرورت وجود تأسیسات آبیاری برای تولید علت استبداد شناخته شد. یعنی این که مشکل کمبود آب ← ایجاد و نگهداری تأسیسات آبیاری ← حکومت مستبده شرقی.

حکومت‌های مستبده شرقی تأسیسات عظیم آبیاری را ساخته و نگهداری می‌کردند از این رو استراتژیک‌ترین وسیله‌ی تولید در دستان حکومت قرار داشت. پس قدرتی مافوق

سلطه‌ی حکومت مرکزی شرقی به وجود نیامد. شهرهای شرقی روستاهایی بودند که بزرگ شده بودند. سازمان قبیله‌ای در شهرهای شرقی ادامه یافته بود. کینه‌های ایلی و طایفه‌ای بود که مرتباً شهرهای شرقی را از امنیت می‌انداخت و تجارت را ناامن می‌کرد و جلوی رشد بورژوازی را می‌گرفت. بخش بزرگی از تجارت به دست خود سلطان و حکومت مرکزی انجام می‌گرفت. بازرگانان مستقل هم اغلب طرف معامله‌ی حکومت مرکزی و تحت حمایت آن بودند. شهرهای شرقی از ثبات و پایداری شهرهای غربی بی‌بهره بودند.

در غرب قانون شکلی عقلانی یافت و از کلیسا جدا شد. پس تجار احساس امنیت کردند و انباشت سرمایه فزونی گرفت، در صورتی که در شرق قوانین عرفی همراه و یگانه با قوانین مقدس بودند و تا زمان امروز نتوانستند خود را کاملاً از هم جدا نمایند.

آیا این همه تفاوت بین شرق و غرب به جهت کمبود آب در شرق و وفور آن در غرب است؟ مسئله آب در شرق و رابطه‌ی آن با نظام اجتماعی و نهادهای سیاسی همان‌طور که اشاره شد در غرب از قرن هفدهم مطرح شد. ما برای حل مسئله تأثیر و نقش مشکل آب در حیات اقتصادی و سیاسی جامعه و تغییراتی را که در نهادهای سیاسی به وجود می‌آورد، مجبور به مطالعه‌ی مشخص تاریخ این جوامع و مؤسسات آبیاری آن‌ها از قدیم‌ترین ایام تا زمان حاضر هستیم. باید ببینیم آیا این مشکل خاص تولید کشاورزی ایجاد کننده‌ی این تفاوت‌هاست، یا هم چون آقای دکتر *فرهاد نعمانی* از کنار مسئله بگذریم و نه تفاوتی بینیم نه ارتباطی بین قنات و استبداد، بین کاریز و قدرت، بین بند بر آب و بوروکراسی.

شک نیست زمانی که حکومتی قوی و متمرکز وجود دارد، مؤسسات آبیاری ساخته و ترمیم و بازسازی می‌شوند و نتیجتاً تولید کشاورزی افزایش می‌یابد و زمانی که حکومت مرکزی ضعیف است، مؤسسات آبیاری رو به خرابی رفته، قحط سالی و فقر زیاد می‌شود. لذا ضرورت ایجاد مؤسسات آبیاری باعث قدرت یافتن بیش از حد حکومت مرکزی است، که آنرا *استبداد شرقی* نامیدمانند. این حکومت‌ها مزرعه‌ی کشاورزی را که گاهی با طغیان آب ویران می‌شود و زمانی در معرض بی‌آبی به بیابان تبدیل می‌شود آباد می‌کنند. به تولید کشاورزی نظم می‌بخشند. با مهار کردن آب، به وسیله‌ی قنات‌ها، نهرها و سدها و زهکشی مرداب‌ها تولید کشاورزی را افزایش می‌دهند و این امر مهم‌ترین علت وجودی حکومت‌های مقتدر شرقی است.

### وضع آب و مؤسسات آبیاری در آسیا

یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های دنیای باستان، تمدن بین‌النهرین است. بین‌النهرین باستان

حکومت‌های معمول غربی می‌یافتند و مافوق جامعه قرار می‌گرفتند. آن‌چنان که طبقه‌ی حاکم در مقابل حکومت کم‌رنگ می‌شد، و در برهه‌هایی حکومت اصلاً خود طبقه‌ی حاکم می‌شد. به این دلیل بود که کسانی هم چون *جان استوارت میل* نوشتند که این مأمورین حکومتی هستند که منافع زمین‌های کشاورزی را تصاحب می‌کنند. بر خلاف غرب که این منافع به دست مالکان خصوصی می‌رسید. مالکان زمین در شرق مثل مالکان خصوصی غربی نیستند، بل که عوامل حکومتی هستند. این را فرق و تفاوت قیف غربی با اقطاع دار و تیول دار و صاحب *سیورغال* نشان می‌دهد. یعنی این که اگر تفاوت تیول و اقطاع و *سیورغال* را با قیف ببینیم حتماً مالک زمین غربی و عامل حکومت را که در تثبیت استبداد نقش دارد و صاحب تیول و اقطاع هم هست درک خواهیم کرد. قیف غربی موروثی است در صورتی که تیول دار و اقطاع‌دار در مقابل حکومت مرکزی بی‌اراده‌اند و در تحکیم قدرت استبدادی نقش دارند. به همین دلایل است که *ویستفولگ* زمین‌دار شرقی را زمین‌دار بوروکراتیک می‌نامد و مدیریت آن را مدیریت کشاورزی استبدادی می‌شناسد.

حکومت‌های استبدادی غربی نمی‌توانند با ثبات باشند زیرا به قول *وبر* مشروعیت ندارند. ولی حکومت مستبد شرقی دارای مشروعیت است. مشکل آب و کشاورزی و ضرورت وجود تأسیسات آبیاری این مشروعیت را ایجاد کرده است. از این رو حکومت مستبد شرقی با ثبات و دیرپاست. مردم شرق به دلیل وضع آب برای حکومت مستبد شرقی مشروعیت قائل‌اند و مردم غربی برای مستبدین غربی مشروعیت قائل نیستند. پس مستبد شرقی ماندگار و دیرپاست و مستبد غربی موقتی و رفتنی. مردم فقط زمانی به استبداد تن می‌دهند که دلایل مشروعی برای استبداد بیابند و الا بر علیه آن طغیان می‌کنند.

در غرب شهرها استقلال داشتند. از خود نیروی نظامی و پادگان و فرماندهی داشتند. در صورتی که در جوامع شرقی شهرها تحت سیطره بوروکراسی حکومت مرکزی قرار داشت. بورژوازی در شهرهای مستقل غربی رشد کرد ولی در شهرهای تحت

# رقیبت غیبتك رولهن ج پیخ

زادع ۱۹۰۸، تاشقند

A. K O S T O W I



خشک‌سالی روبروست که آب برای کشاورزی وجود ندارد، البته قحطسالی و گرسنگی بیامد آن است، خاک روسی طغیان دجله و فرات برای کشاورزی بسیار مناسب است. با این همه کشاورزی در این جا محتاج فعالیت شدید اهالی است. با ساختن تأسیسات آبیاری مثل کنندن مجاری آب است که می‌توان به کشاورزی رونقی بخشید. همین امر مهم

کردن دو رود دجله و فرات آن‌ها را ساخته بودند. قدمت این تأسیسات به چهار هزار سال قبل از میلاد می‌رسد.

این ناحیه گاهی با طغیان دجله و فرات درگیر است، که آب سرزمین وسیعی را در بر می‌گیرد و به تدریج شروع به خشک شدن می‌کند، و در نواحی پست مرداب‌هایی ایجاد می‌کند. زمانی دیگر با

تمدن‌های مقتدری چون سومر، اکد، بابل و آشور را به خود دیده است. این منطقه میان رودهای دجله و فرات قرار دارد در سومر زمانی که از ابزارهای سنگی در کنار مس و فلز و مفرغ (آوران آنتولیتیک) استفاده می‌شد، مؤسسات آبیاری هم ساخته شده بود. باستان‌شناسان آثار ساختمان‌های عظیم آبیاری در آن جا یافته‌اند، که مردم این منطقه جهت مهار

یعنی ایجاد مؤسسات آبیاری است که پایه‌ی تمدن‌های بین‌النهرین می‌شود. در عهد باستان شبکه‌ی پیچیده‌ای از تأسیسات آبیاری در این منطقه ساخته شده بود، که جلوی طغیان آب را می‌گرفت. استخرها و آب‌انبارهای وسیعی ساخته شده بود که در خشک سالی از آبی که قبلاً ذخیره کرده بودند سود می‌جستند. این شکل خاص اقلیمی بیش‌تر در جنوب بین‌النهرین مصداق دارد. در شمال خشکسالی و طغیان آب کم‌تر دیده می‌شود و نتیجتاً تأسیسات آبیاری آن‌جا کم‌تر است.

در بین‌النهرین ساختن تأسیسات آبیاری باعث رشد تولید کشاورزی شد. از زمین‌هایی که به برکت شبکه‌ی آبیاری کشت می‌شد، انواع غلات مثل گندم، جو و ذرت به دست می‌آمد. کشت خرما و سبزیجات نیز رواج داشت.

تأسیسات آبیاری از باتلاقی شدن اراضی جلوگیری می‌کرد. آب اراضی غرقاب به سوی مخازن آب و برکه‌ها جاری می‌شد، و هنگام کم‌آبی، این ذخائر، آب زمین‌های مزروعی را تأمین می‌کرد. سومریان اراضی پست را به وسیله‌ی ایجاد سد‌هایی محصور می‌ساختند تا از جمع شدن آب در آن‌ها و تشکیل مرداب جلوگیری کنند.

در سومر قبلی از تشکیل طبقات و دولت، جوامع اشتراکی امر ایجاد و نگهداری تأسیسات آبیاری را به عهده داشتند. برای این کار مجبور به ایجاد تشکیلات منظمی بودند. همان‌طور که در مصر نیز قبل از به وجود آمدن طبقات، این تشکیلات وجود داشت. این تشکیلات ماهیت طبقاتی نداشت و از طرف جمع برای خدمت به جمع ایجاد شده بود.

بعد از تشکیل دولت، تأسیسات آبیاری افزایش یافت. م. دیاکونوف معتقد است، اتحاد سراسر خطه‌ی بین‌النهرین به وسیله‌ی دولت آکد جنبه‌ی مترقی داشته است، زیرا می‌توانسته سیستم آبیاری واحدی ایجاد کند، و نتیجتاً به رشد نیروهای تولیدی کمک نماید.<sup>(۱)</sup>

متون به دست آمده در بین‌النهرین نشان می‌دهد که در اواسط هزاره‌ی سوم قبل از میلاد، در بین‌النهرین جنوبی، شهرها، سدها و بندهای وسیعی ساخته شده بود، که کشاورزی وابسته به آن‌ها بوده است.<sup>(۲)</sup> همین شبکه‌ی آبیاری، کشاورزی منظم مزارع و آبرسانی به آن‌ها را عملی می‌کرد.

توین‌بی در کتاب روایتی از تاریخ جهان می‌نویسد:

«نگهداری تأسیسات آبیاری یکی از عمده‌ترین وظایف جامعه بود. بیگاری همگانی برای حفظ و ترمیم سدها و کانال‌های آب یکی از وظایف اساسی کشاورزان بود. کشت نباید بنی‌آب می‌ماند و باید به بار می‌نشست. تمام کارهای دهقانان برای ساخت و حفظ تأسیسات آبیاری تحت

نظارت و مدیریت دولت مرکزی بود زیرا توزیع آب به مقدار معین مستلزم نظمی واحد بود که باید از سوی قدرتی مرکزی و قادر اعمال می‌گردید.»

آب آن چنان نقش مهمی در زندگی اقتصادی جامعه بازی کرده است، که در اساطیر نقش مهمی یافته است. نینگروس (Ningirus) خدای آبیاری سومریان است. ایشثار، الهه‌ی سومر که مادر و مولد بشر است، به آن‌ها این الهه‌ی آب‌های ایران شابهت بسیار دارد. در افسانه‌ی گیل‌گمش، وقتی گیل‌گمش وانگیندر گاو نر آسمان را می‌کشند، دست خود را در آب فرات می‌شویند.

در اواخر هزاره‌ی سوم قبل از میلاد با حمله‌ی کوتیان به بین‌النهرین، بیش‌تر مؤسسات آبیاری ویران شد و این باعث عدم رشد جامعه و نیروهای مولده در تمدن سومر شد.

در سومر باستان آثاری به دست آمده است که نشان وجود برده در آن‌جا است. آثار هنری به دست آمده در نیمه‌ی دوم قرن چهارم قبل از میلاد، نشان دهنده‌ی تصاویری از اسرا و زندانیان در بین‌النهرین است. اسرا به برده تبدیل شده و در ساختن تأسیسات آبیاری و امر ساختمانی و غیره به کار گرفته می‌شدند. در زراعت نیز بردگان نقش داشتند. بردگان اغلب به معابد و حکام شهر متعلق بودند.

استرووه معتقد است که در حمله‌ی اوربیلوم تعداد زیادی اسیر گرفته شد که به برده تبدیل شد. به طور کلی قبایل واقع در کوهستان زاگرس، مخزن برده برای سومر و آکد بودند. استرووه می‌گوید: به بهای نابودی قبایل بربر همجوار، تعداد بردگان در مصر و سومر روز به روز افزایش یافت.<sup>(۳)</sup>

در املاک پادشاهان سومر، بردگان به کار گمارده می‌شدند، و اغلب بردگان متعلق به حکومت مرکزی بودند. استرووه می‌نویسد:

داغ زدن به بردگان در جوامع شرق باستان، دیرزمانی انجام می‌گرفته است، تنها در عصر هلنیسم بود که قوانینی بر علیه داغ زدن تصویب شد. و بردگان موهای خود را به شیوه‌های مخصوصی می‌آراستند تا از افراد آزاد تمیز داده شوند.<sup>(۴)</sup>

با این همه برده‌داری در سومر از صورت پدرشاهی خارج نمی‌شود، و اغلب برده‌ها خانگی هستند. پاتریمونیا لیسیم با قدرت تمام حاکم است. جوامع اشتراکی وجود دارند و به امر آبیاری نظم می‌دهند. پس دیرزمانی بر جای می‌ماند.

ضرورت ساختن شبکه‌ی آبیاری به حکومت‌ها شکلی استبدادی می‌دهد و این مشکل جلوی نابودی برده‌برداری پدرشاهی، جوامع اشتراکی و کلاً پاتریمونیا لیسیم را می‌گیرد. با این وجود جوامع اشتراکی و یزیده‌های پدرشاهی آهسته آهسته و به

کندی از بین می‌روند. چنان‌که نیرومندان جامعه‌ی سومری می‌کوشیدند هر چه بیش‌تر جوامع اشتراکی را چپاول کنند، و این از شورش‌هایی که در پایان سلطنت سارگون در سومر به وقوع پیوست مشخص می‌شود.

بعد از تمدن سومر و آکد، تمدن بابل نتیجه آمیختن دو تمدن سومر و آکد بود.

همورایی که چهل و سه سال در بابل سلطنت کرد به کنور و مؤسسات آبیاری آن نظمی دقیق بخشید. در زمان او مؤسسات آبیاری ساخته شد و تولید کشاورزی فزونی گرفت. قوانین همورایی در سال ۱۹۰۲ در کاوش‌های باستان‌شناسی در شوش به دست آمد. همورایی در اغلب فرمان‌های خود به نگهداری سدها و نهرها اشاره کرده است. در حکومت بابل اشخاصی به نام دبیرانهار به امور آبیاری رسیدگی و نظارت می‌کردند. تحت نظارت این افراد کانال همورایی - برکت حفر گردید. این کانال شهرهای جنوبی را از خطر طغیان دجله محفوظ می‌داشت. خود همورایی می‌گوید در آن زمان که سرزمین‌های سومر و آکد به من سپرده شد، ابراهه‌ای حفر کردم که از برکت آن، زمین‌های بایر به زمین‌های زراعتی تبدیل شدند، و به این ترتیب آب افزایش یافت و نعمت و آسایش را فزونی بخشید.

در زمان منکه نیتوکرس به اشاره‌ی هرودوت، دریاچه‌ی مصنوعی بزرگی در بابل ساخته شد. تمدن بابل ادامه‌ی تمدن سومر و آکد است. سازمان آبیاری در بابل کار جدیدی نبود، بل که از زمان سومریان ایجاد شده بود.

در اواخر هزاره‌ی دوم قبل از میلاد، کاستی‌ها بابل را تسخیر کردند. عصر کاستی‌ها را به دو دوران تقسیم می‌کنند. نخست دوران ترمیم اقتصادی کشور، و دوران دوم عصر شکوفایی حکومت کاستی‌ها.

در دوران اول کاستی‌ها به تعمیر شبکه‌ی آبیاری، تجدید ساختمان سدها و ایجاد مخازن آب می‌پرداختند. بعد از نظم دادن به امر آبیاری به مرحله‌ی شکوفایی حکومت کاستی‌ها می‌رسیم. یعنی تا امر آبیاری، نظمی سه‌خود نگرفته است، رسیدن به اقتصاد شکوفا و گسترده امری نیست مجال.

توین‌بی در کتاب بشر و زمین مادری‌اش در بحث راجع به تمدن‌های بین‌النهرین می‌نویسد که تأسیسات آبیاری با جنگ‌ها و تهاجمات به نابودی کشیده می‌شدند. این جنگ‌ها یا نزاع‌های داخلی جوامع بود یا تهاجمات خارجی که هر دو تأثیری تخریبی بر تأسیسات آبیاری و وضعیت کشاورزی داشت.

بعدها با شورش‌های داخلی و حمله‌ی آشوریان و بعد ایلامی‌ها، امر آبیاری دچار نابسامانی شد، و امپراطوری خالی از جمعیت شد.

۱. مشکل اول امر کشاورزی و ایستادگی است که مردم، چه قبل از تشکیل حکومت و چه بعد از آن با تلاش بسیار آن را سامان می‌دهند. بر این مشکل پیروزی می‌شوند. برای پیروزی بر مشکل آبیاری حکومت‌ها متحرک و استنادی می‌شوند.

۲. مشکل دوم حملات قبایل صحرائین است که هر لحظه حکومت و متعاقباً تأسیسات آبیاری را با یابودی تهدید می‌کنند. قطع کردن پادیه نشیان و حفظ و حراست ساکنین در برابر حمله آن‌ها، از وظایف دولت است. این مشکل، یعنی حفظ مرزها در برابر این قبایل، کم‌تر از مشکل آبیاری نیست، و تازه تأثیر مخرب بر تأسیسات آبیاری بر جای می‌گذارد چرا که با حمله‌ای، بیش‌تر تأسیسات آبیاری رو به ویرانی می‌رود. به این مشکل دوماً هرودوت اشاره کرده است.

این قبایل با دانه‌نشین با حملات و غارت و چپاول خود، نقش نوزم را در پیشرفت جامعه ایفا می‌کنند. شاهان سلاطین امیر (U) در بین‌النهرین، دائماً در جنگ با قبایل صحرائین بودند. تعداد قبایلی که در جنگ با پادشاهان امیر (U) بودند، این‌ها مشکل بزرگ را نشان می‌دهد. اوربیوم، سیمرور، شامروم (سلف آشور)، لولویه، خارشی، خومرونی، گانبار (S) همگی قبایلی بودند که به پایلیان حمله می‌کردند.

بایستی باید در نظر داشت که بسیاری از جنگ‌های تمدن‌های بین‌النهرین با قبایل صحرائین، جنبه‌ی تهاجمی داشته است. نه تلافی، قبایل صحرائین بیش‌تر نقش منفع برده برای این تمدن‌ها را داشته‌اند.

تمدن‌های بین‌النهرین آن فرصت می‌یابند که، از قدرت حکومت مرکزی کاسته شود. قبیله‌ای حمله می‌کند (مانند حمله‌ی کوتیان)؛ این حملات، تأسیسات منظم آبیاری را که با صرف نیروی عظیمی ساخته شده‌است، به ویرانی می‌کشاند. و باز با مردم است که با رنج دیوارمسازي آن را تحمل کنند. تا شهرها می‌ایند که به عنوان پایگاه اقتصاد بردماری استقلالی بایند. حمله‌ی قبیله‌ای صحرائین، به عنوان نقش نوزم کننده در پیشرفت و مواصل و روابط تولید عمل می‌کنند.

با این همه به گواهی استروروه، بردماری خصوصی در پایلی رشد زیادی کرد در آن پیش‌تر بردمعا متعلق به اشخاص بودند ولی اختیاری بردگان زیاد بود. در این دوره هرودوت به عنوان ابزار سخن گو تلقی نمی‌شد. از این رو دولت پایلی به مرحله‌ی دولت

پیشرفته و عالی برده‌دار نرسید. در پایلی افراد فقیر و جامعه و بردگان در وضع تقریباً مشابهی زندگی می‌کردند. لذا نظر دو مسترکا طبقه‌ی مستعبد را تشکیل می‌دادند که از ابزار تولید جدا شده بودند. افسانه‌ی گیل‌گمش نیز گواهی این ادعاست. گیل‌گمش شاه اورک برای بنای حصار شهر، مردم را به کار کشید و به آن‌ها اجزای دیوار کسان خود را نداد. افسانه با سرزنش از گیل‌گمش آغاز می‌شود (۱۶). این نشان‌دهنده‌ی برده‌گشی از افراد آزاداست. در پایلی برده بیش‌تر به صورت خانگی ست، ولی ارباب می‌تواند برده را بفروشد، به گرو بگذارد و حتی برای تنبیه، عسوی از اعضا او را قطع کند. در زمان معورایی به گواهی قولین او، برده شدن شخص مقروض هم معمول بوده است.

حکومت‌های استبدادی بین‌النهرین باستان با مالیات‌های سنگین و بیگاری‌های زیاد و فشار به جماعت آزاد آن‌ها را به شورش و یا می‌گردند. در خیلی از موارد توده‌های مستعبد و فقیر به مهاجمان صحرائین کمک می‌کنند. مانند حمله‌ی کوتیان به آکد، که مردم رنجیده‌ی این کشور با کوتیان همکاری نمودند.

**آبیاری در آشور**

آشور در قسمت شمالی بین‌النهرین قرار داشت، و موفق شد حکومتی پر قدرت به وجود آورد. با ایلام، سومر، آکد و بابل را تسخیر کند؛ قبیله‌ی مصر را تابع خود نماید و مدت دوپست سال در خاورمیانه فرمانروا باشد. همان‌طور که گفته شد در قسمت شمالی بین‌النهرین طغیان آب به شدت، جنون‌انگیز است. این روز آشور احتیاج به تأسیسات آبیاری ندارد فقط انبارهای ذخیره‌ی آب و چاه‌ها ساخته شده است.

با این همه آشور نیز جزو تمدن‌هایی است که مسئله‌ی آب برایشان مطرح بوده است. از این رو آشور هم دارای حکومت‌های استبدادی از نوع شرقی بوده است.

مشکل حمله‌ی قبایل صحرائین هم برای آشور مسئله‌ی مهمی بوده است. حمله‌ی قبایل آرامی این حکومت را به ضعف می‌کشاند. و این به مادها که همیشه در معرض حمله‌ی آشور بودند فرصتی داد تا بتوانند ابزارهای تولیدی خود را رشد داده به شکوفائی تولید کشاورزی دست بیایند. (۱۷) بسايد گفت ضرره‌ها و وارد از طرف قبایل صحرائین هیچ‌گاه قابل مقایسه با حملات آشوریان به آن‌ها نبوده‌است. چرا که یکی از وظایف و افعال حکومت‌های مستعبد شرقی، چپاول و غارت خلق‌ها و مردمان بیگانه بوده است. همان‌طور که جنگ‌های متعدد آشور با ماد و اورارتو، به منظور چپاول و غارت بوده است و منبع بزرده‌ی آشور را

تشکیل می‌داده است. در آشور نظام بردماری حکومتما بوده است. امرای زیادی که در جنگ گرفته می‌شدند به برده تبدیل می‌گشتند. این در ساختن تأسیسات آبیاری، جاده‌ها و ساختمان‌های فول‌پیکر بنا کار کشیده می‌شدند.

استروروه می‌گوید: «در یک جامعه‌ی شرقی باستان که نظام اقتصادی‌اش بر پایه‌ی آبیاری استوار بود. دهقانان از سوسی تولیدکنندگان مستقیم و از سوی دیگر استثمارگر بودند. زیرا آنان زمین‌هایی را کشت می‌کردند که تنها به باری شبکه‌ی آبیاری می‌توانستند محصول به بنا آورند. آن‌ها شبکه‌هایی که امیران به برگی در آمده آن‌ها را هم کار خود می‌ساختند و نگهداری می‌نمودند.» (۱۸)

البته نباید فراموش کرد که بعدها، وقتی زورمندان جامعه شروع به غصب زمین‌ها و چراگاه‌های جماعت اشتراکی می‌کنند، این جموع رو به نابودی می‌روند و دهقانان به طبقات ستمکش تبدیل می‌شوند که مرتباً بر علیه ایجاب و استثمار به پای می‌خیزند و سرکوب می‌شوند.

بردماری در آشور به رشد بیش‌تر از بابل رسید. پدیده‌های پدرشاهی و پاتریستونیالی از بین رفتند، و آشور به طرف بردماری محض رفت. در این دوران اقلیت جماعت آزاد به سقوط کشانده شدند و تعداد اعضا آن‌ها روز به روز کاهش یافت. تا این که امپراطوری با حمله‌ی مادها نابود شد. این تمدن از آغاز هزاره‌ی اول قبل از میلاد با حملات اقوام آرامی که از صحرای سوری آمده بودند، و تضاد داخلی در نبرد آشور، به ضعف کشیده شده بود. تا این که مادها در سال ۶۰۲ قبل از میلاد آن را تسخیر کردند. مادها سد رودخانه‌ی خمشور را که به فاصله‌ی کمی پایین‌تر از نینوا قرار داشت. (۱۹) خراب کردند به این ترتیب توانستند با ایجاد طغیان آب آن شهر را فتح کنند.

منظور از استبداد شرقی یا آسیائی همان‌طور که در متن‌های هم می‌گوید تقسیم منطقی نیست. چه تئوته‌ها در شرق وجود داشته است که شرایط آبیاری بین‌النهرین و مصر و چین و ایران و غیره و ندانستند. عمل امپراطوری هیتی که شبکه‌ی آبیاری داشت و حکومت‌های استبدادی نیز به خود ندیده است.

**آبیاری در مصر**

و چون هوا گرم گردد آب زیادت شود و چون کم شود خشک می‌گردد، و این بسبب آن حاجت نباشد. و در زمین مصر برف و باران نیاید البته. و در همه ولایات مصر آب روان نیست، مگر رود نیل. (۲۰)

منبع آب در مصر رود نیل است. در مصر هیچ‌گاه باران نمی‌بارد، و اگر باران بیاید آن را به فال بد می‌گیرند. رود نیل در تیرماه طغیان می‌کند و سراسر دره‌ی تنگ نیل را در بر می‌گیرد و تا اواسط آبان ماه بر جای می‌ماند تا کم‌کم فروکشند. گل و لای رود نیل بهترین کود برای کشاورزی است و آب آن لازم برای زراعت کشاورزان مصری محتاج به خیش کردن یا بیل زدن نبودند. نیل در هنگام طغیان، زمین‌ها را آبیاری می‌کرد و در هنگام نشست کود کافی به زمین می‌داد.

در ترانه‌هایی که در وصف نیل ساخته شده است می‌توان به اهمیت این رود در زندگی مردم پی برد. آسمان و رود نیل بزرگ‌ترین رب‌النوع‌های فرد مصری هستند. اغلب اساطیر مصر در رابطه با رود نیل است.

مصریان معابدی جهت پرستش از رود نیل ساخته بودند. اگر کسی با حمله‌ی تمساح بمیرد و یا در آب غرق شود و جنازه‌ی او به دست آید، ساکنان شهری که جنازه در خاک آن‌ها افتاده مجبورند آن را مومیایی کنند و از آن مواظبت کامل کنند و در تابوت مقدس قرار دهند. غیر از کاهنان هیچ‌کس حتماً خویشان و دوستان حق ندارند به آن دست زنند. کاهان آن را به دست خود دفن می‌کنند، گوئی که این جنازه از جنازه‌ی یک شخص عادی محترم‌تر است.<sup>(۱۱)</sup> از گفته‌ی هردوت چنین پیداست که کاهنان نیل در اغلب نقاط ساحل رود نیل وجود داشته‌اند.

رسوبات نیل در طول رودخانه تپه‌هایی ایجاد می‌نمود که در سال‌هایی که طغیان رودخانه شدت کم‌تری داشت به پشت تپه‌ها نمی‌رسید و اگر هم می‌رسید آب در آن جا میماند و ایجاد مرداب‌هایی می‌کرد. از این رو لازم بود که تأسیسات آبیاری جهت امر کشاورزی ایجاد گردد. مارکس به حق می‌گوید که:

در مشرق پایه‌ی زراعت بر آبیاری مصنوعی قرار دارد و این کار به عهده‌ی جماعت، ولایت و یا دولت مرکزی است.<sup>(۱۲)</sup> تمدن کهن دره‌ی نیل در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد به پیشرفت‌های اقتصادی نایل شد. اولین تأسیسات آبیاری در دره‌ی نیل عبارت بود از گودال‌هایی که در کرانه‌های مرتفع نیل حفر می‌شد، هم‌چنین بندهای مخصوص تنظیم آب. قبطیان نهرهایی ایجاد کردند که آب در آن‌ها تقسیم می‌شد و اراضی محصور در بندها را آبیاری می‌کرد.

توین بی می‌نویسد:

«به نظم درآوردن آب‌های بستر سفلی نیل در قسمت پائین اولین آشپاشی، که مصریان از راه آن جنگل با تلالی نامساعد و بی‌سترون را به صورت مزارع و مرغزارهای حاصلخیزی درآوردند، تا به امروز پا بر

جای مانده است.»

در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد در مصر دولت تشکیل شد. ولی قبل از آن به گواهی استرووه، بقایای مادر سالاری در مصر به خوبی شناخته شده<sup>(۱۳)</sup> بود، و بنا بر سنگ نبشته‌ها زن‌ها می‌توانستند با دو مرد ازدواج کنند.

در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد با تشدید نابرابری‌های اجتماعی دولت در مصر به وجود آمد. بر خلاف گفته‌ی پلخانف در زمان تشکیل دولت در مصر اختلاف طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی وجود داشته است. چه در این زمان بر خلاف گذشته، حتماً قبرهای انسان‌ها گواهی بر این نابرابریست. در قبر پادشاهان و بزرگان می‌توان مجموعه‌ای از وسائل یرقیمت و زینتی یافت.

قبرهایی که دارای پنجاه اطاق هستند، قبرهایی که بعد به اهرام عظیم مصر تبدیل شدند. در کنار این قبرها فرد ساده عادی و زحمت‌کش در گودال‌های محقر دفن شده است. اختلافات اجتماعی و طبقاتی مهر خود را بر قبر مردگان هم زده است.

سازمان‌هایی که در مصر قبل از تشکیل دولت به وجود آمده بود صرفاً برای امر آبیاری بوده است. استرووه می‌گوید:

اطلاعات قوم‌شناسی گواهی می‌دهند که اصول آبیاری در مرحله‌ی تجزیه نظام قبیله‌ای می‌توانستند وجود داشته باشند.<sup>(۱۴)</sup> و به دنبال آن می‌نویسد: «کارهای مربوط به آبیاری، جوامع قبیله‌ای را وادار می‌کردند که در منطقه‌ی وسیعی در واحدهای بزرگی گرد هم آیند و با تلاش مشترک خود رودخانه را مهار کنند. زیرا تنها مهار کردن رودخانه در یک منطقه‌ی وسیع می‌توانست شالوده‌ی مناسبی برای یک اقتصاد آبیاری سازمان یافته فراهم آورد. کاری با چنین عظمتی از حد امکانات یک خانواده یا حتی یک جامعه‌ی اشتراکی قبیله‌ای بیرون و نیازمند آن بود که یک چند از این جوامع خطی و وسیعی را زیر نظر داشته باشند.<sup>(۱۵)</sup> از این رو وجود مؤسسات اجتماعی قبل از ایجاد دولت دلیل بر وجود دولت نیست، و اصولاً ماهیت وجودی آن با دولت متفاوت است. چنان‌که مورگان درباره‌ی سازمان‌های قبیله‌ای و دولت در امریکا در کتاب جامعه‌ی باستان می‌گوید:

«در صورت لزوم، اتحادی بین قبایل به وجود می‌آمد و همین‌که آن ضرورت از بین می‌رفت آن اتحاد نیز لغو می‌شد. تازه دولت ندرتاً بر مبنای اتحاد قبایل تشکیل می‌شود، در اغلب موارد دولت نافی اتحادیه‌های قبیله‌ای بود، و آن‌ها را به نابودی می‌کشاند است. قدیمی‌ترین دولت‌ها واحدهایی به مراتب کوچک‌تر از اتحادیه‌های قبیله‌ای بودند. نهادن نام دولت بر این اتحادیه‌های قبیله‌ای درست نیست. شاید بتوان شورای شیوخ را که سلاجی

برای فشار و تجاوز طبقه‌ای بر طبقه‌ی دیگر<sup>(۱۶)</sup> بوده است، سلف دولت نامید که آن هم فقط در زمانی به وجود می‌آید که نابرابری‌های اجتماعی به وجود آمده است.

این نکته مسلم است که بزرگان عشیره‌ای که در بطن سازمان جماعات بدوی به وجود آمده بودند و مقام رهبری قبیله را در دست داشتند از جمع جدا شدند. ولی در این زمان دقیقاً نابرابری‌های اجتماعی به وجود آمده است و طبقات ناسازگار اجتماعی شکل گرفته‌اند. در این جاست که سنت و اسطوره تا حدی عملی دولت را انجام می‌دهد. سنت و اسطوره چنان ریشه‌ای در این جوامع دارد که انحراف از آن با مجازات سخت از طرف جمع روبه‌روست، از این رو در فاصله‌ی بین به وجود آمدن نابرابری‌های اجتماعی و دولت، سنت و اسطوره‌ها هستند که می‌توانند سازمان نامتجانس قبیله‌ای را حفظ و حراست نمایند.

تشکیل دولت، هم‌این با منافع بزرگان عشیره‌ای است، و حتا به وجود آمدن دولت هم‌زمان با برکناری آن‌هاست. به این دلیل بزرگان عشیره‌ای در مقابل تشکیل دولت جان سختی می‌کنند، غالباً ایجاد دولت، هم‌ای با مبارزه‌ی سخت با بزرگان عشیره‌ای و جنگ و خونریزی‌های فراوان است. در مصر حدود هزار سال بعد از تشکیل طبقات بزرگان عشیره‌ای به نابودی کشانده شدند و دولت تشکیل شد.<sup>(۱۷)</sup>

در مصر جریان تلاشی نظام اشتراکی قبیله‌ای، به نظر استرووه، به سبب کندی پیشرفت مبادله، به آرامی انجام گرفت. در مصر همانند بین‌النهرین امر آبیاری به صورت پیچیده‌ای انجام می‌گرفت. کانال‌های متعددی حفر شده بود، که برای حفر آن‌ها از کنگ و سبدهای مخصوص استفاده می‌شد. گوردن چابلد می‌گوید که هر فرد سالی جامعه موظف بود در ساختن مؤسسات آبیاری شرکت جوید. ماهی‌گیری اهمیت زیادی در اقتصاد مصر باستان داشت به قول استرووه:

ماهی‌گیری، به تنهایی قادر بود آن اندازه تولید اضافی به بار آورد که بتوان با آن بزرگان را زنده نگاه داشت، و از کارشان بهره‌کشی نمود.

فرعون مصر دارای سازمانی بود که در رأس آن صدراعظم قرار داشت. یکی از عمده‌ترین وظایف صدراعظم نظارت بر امور آبیاری بود.

وظایف حکومت مصر همانند اغلب جوامع آسیائی آن چنان که انگلس می‌گوید بر سه قسم بود:

۱- دریافت مالیات (غارت مردم به دست حکومت استبدادی) مجریان این امر مأمورین مالیاتی بودند.

۲- وظایف عمومی که عمده‌ترین اش امر آبیاری

می کرد تأسیسات آبیاری در مصر ایجاد کرد همواره بزرگترین اهرام ثلاثه می مصر است. هم چنین می نویسد: مسین که اولین پادشاه مصر بود برای حفاظت شهر ممفس سدی ساخت. (۲۰)

رامسس نیز تأسیسات آبیاری ایجاد کرد هرودت می گوید که علت این که رامسس کشور خود را «از نجاری آب مستور کرد چنین بود تمام مصریانی که شهر آن‌ها در کنار نهر قرار نداشت و در میان دشت بود هر بار که آب رود عقب می رفت... دچار کمبود آب می شدند و آب آن‌ها مجدود به آب شورهای می شد که از چاه‌ها بیرون می کشیدند. به این جهت بود که مصر را از نجاری آب مستور کردند» (۲۱)

در مصر باستان برده وجود داشته است. کتیبه‌های موجود به گفته ای استرووه اثبات می کنند که اسرا به برده تبدیل می شدند و خرید و فروش آن‌ها مجاز بوده است. افراد آزادی به برده تنزل می یافتند. به قول استرووه، در جسریمان ماهی گیری، توریانی و غیره، از کار بردگان سود زیادی گرفته می شد.

رامسس دوم فرعون مصر که چهارده قرن قبل از میلاد بر مصر حکومت می کرد فتوحات زیادی کرد اولوالم سیب یا سکاها را به زیر یوغ خود در آورد در بازگشت، اسیران زیادی با خود از مصر آورد که از آن‌ها جهت ساختن تأسیسات آبیاری استفاده می شد. هرودت می نویسد که رامسس انبوه اسیران را که از کشورهای تسخیر شده با خود آورده بود به ترتیب زیر به کار گماشت:

سنگ‌های بسیار بزرگی که برای او به معبد ممفسوس حمل شد به وسیله این اسیران کشیده شد. هم چنین تمام مجاری آب که امروز در مصر باقی است به وسیله این اسیران روی اجبار حفر شد. (۲۲)

برده‌های مصر در انور آبیاری و در معابد به کار کشیده می شدند. بنا به گفته ای هرودت برده‌هایی که در معابد مصر کار می کردند خال‌های مقدس به بدن خود می کوبیدند، و این خال‌های مخصوص آن‌ها را از دیگر بردگان مشخص می کرد این گفته نشانه‌ای تعداد زیاد بردگان در مصر می باشد. مشخصاً تاکنون گفته‌های وی تفوغل است که می گوید از برده‌داری و فتوالیسم در شرق نمی توان سخن گفت.

گوردهن چایله می گوید که تصاویر زئده‌ای موجود در آرامگاهها، وجود نیروی کار عظیمی را که به وسیله میاستران نظم می گرفت و در استخراج و انتقال سنگ‌ها، ساختمان آرامگاهها و کاخ‌ها، معادن، ساخت ظروف، گلان‌ها، زمین‌ها و اشیاء لوکس، کشاورزی تخصصی شده و خدمات خانگی برای فرعون و نجیبانش به کار گرفته می شد آشکار



تأسیسات آبیاری را تخریب می کند، نتیجتاً آب را کد مانده به مراد تبدیل می شود

مسموعی می گوید:

تسل پیش از بسطیان امسال که سال سیصد و سی و دو است به اسکندریه نمی رسید. (۲۳) درباری مشکل آب و لاووسی، در کمال آباد مصر مسموعی باز می گوید:

به علت انسداد خلیج‌ها که مانع جریان آب بوده، آب از آنجا ببرد و گفته‌اند علل دیگر بود که مانع لاووسی شد و آب پس زده، بدین جهت آب مشروشان از چاه‌ها شد و نیل یک روز با آن فاصله داشت. (۲۴)

به هر صورت در زمان حکومت‌های معتقد مشکلات آب کم می شود. به عکس در زمان پراکندگی این تأسیسات هم رویه ویرانی می روند. در زمان حکومت خفرن و ختموس تأسیسات آبیاری منظم می شود زیرا حکومت‌های مقتدری زمام امور را در دست دارند. هرودت می نویسد: «ختموس که در حدود ۲۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح سلطنت

بود که به کمک جماعات روستایی و بردگان انجام می شد.

۳- غارت خلیج‌های بیگانه، که به وسیله ای ارتش انجام می گرفت.

مصر را دریا و ریزگزار از حملات قبایل بیابانگرد محافظت می کرد و از این نظر بر تمدن‌های بین‌النهرین که مرتباً با حملات قبایل ساکن در زاگرس مواجه بود بی‌توری داشت.

جامعه ای مصری دیگر شکل دفاعی به خود نگرفت، و هر لحظه حملات خارجی تأسیسات آبیاری را به نابودی تهدید نمی کرد ولی کاملاً هم از حملات خارجی در امان نبود. قدرت‌های بزرگ آن زمان نظیر ایران در بسیاری از مواقع جامعه ای مصر را تهدید می کرد. هرودت می نویسد، پارس‌ها در نبرد با مصر کوشش داشتند سد شهر ممفس را شکست و ویران کنند.

مالیات‌های سنگین مردم را به شورش و می‌دارد، و حکومت را ضعیف می کند. اولین ضربه ای خف به سازمان‌های آبیاری وارد می شود و این

می سازد.

در مصر اما هم چون دیگر کشورهای آسیائی برده ناری به شکل پدشاهی ست و پاتریمونیا لیسیم حاکم است، جوامع اشتراکی و حکومت های استبدادی نیز وجود دارد. حکومت استبدادی امر آبیاری را جهت کشاورزی سامان می دهد. پس مشروعیت می یابد حتا اشراف مصر خواستار وحدت می باشند. نرس ها اشرافیت جدیدی که تازه قدرت گرفته بودند خواستار، وحدت مصر شدند. زیرا می دانستند با وحدت امر آبیاری نظم می گیرد و تمرکز حکومتی تولید کشاورزی را افزایش می دهد.

فراعنه ای امپراطوری دوره ای میانه توجه زیادی به امر آبیاری کردند.

امنیت سوم ریشه ی پراکنده را برکنند، و کسان را برای فرمانداری بخش های کشور تعیین کرد، که از مرکز مواجب می گرفتند. او ترعه ها و کانال ها و سد های زیادی ساخت و به کمک حکومت متمرکز توانست سیستم آبیاری را بهبود بخشد و به این ترتیب کشاورزی را رونق دهد و باعث شکفتگی اقتصاد مصر شود.

طغیان های نیل فرو رفتگی های اطراف را به صورت دریاچه هایی در می آورد که در اطراف آن ها مرداب هایی تشکیل می شد. به امر امنیت سوم (۱۸۰۱-۱۸۲۹ قبل از میلاد) برای خشک کردن این زمین ها سدها و کانال هایی ساخته شد که حدود ۲۵۰۰ هکتار زمین را خشک کرد.

این ها همه در اثر تمرکز به وجود آمد. یکی از ادارات مهم مصر مربوط به آبیاری بود، که مهم ترین وظیفه ی عمومی را انجام می داد. اداره ی مهم دیگری مربوط به جمع آوری مالیات بود که مقداری از محصول را برای شاه به عنوان مالیات جمع آوری می کرد. با در نظر گرفتن رشد کم ابزار تولید، بازدهی محدود کار و تولید کم می توان تصور کرد که مردم به وسیله ی مالیات ها چگونه بهره کشی و استثمار می شوند. اداره مالیات ها استثمار کننده جماعات اشتراکی و دهقانان آزاد بود.

## آبیاری در اورارتو

دولت وان یا دولت اورارتو در ناحیه ی جنوبی قفقاز امروز و اراضی ای از دولت ترکیه قرار داشته است. به علت مجاورت با دریاچه ی وان آن را دولت وان هم می گویند. در این ناحیه باستان شناسان با تأسیسات پیچیده آبیاری برخورد دارند. از صدو یک سنگ نبشته که از دوران منوئه پادشاه اورارتو (۸۱۰-۷۷۸ قبل از میلاد) به دست آمده است نوزده سنگ نبشته مربوط به ساختمان کانال های آب است. کانالی که به شهر توشیا آب می رساند هنوز برجاست. پیوتروفسکی

در کتاب خود شرح دقیقی راجع به این کانال آب می دهد. نام این کانال شمیرم است که آب آشامیدنی به شهر وان می ساند در ازای این کانال هفتاد هزار گز است. زمین های پست دو سوی کانال سنگ چین شده و بلندی سنگ چین گاه به ۱۰ تا ۱۵ گز می رسد. هنوز هم اهالی قفقاز از ترعه های احداث شده در زمان تمدن اورارتو استفاده می کنند.

دولت اورارتو در ناحیه ای واقع بوده است که از طرف قبایل مختلف به آن حمله می شده است. لذا در هزاره ی اول قبل از میلاد دارای وحدتی ناپایدار و مرزهایی ناستوار بوده است.

حملات قبایل همجوار شبکه های آبیاری را به ویرانی می کشاند. تازه حملات دولت آشور هم به شدت این حملات می افزود. در میان مآخذ آشوری متنی موجود است که در آن از کارهای ساختمانی رؤسا (اورسا) فرمانروای اورارتو سخن گفته است: «(اوراضی بایر را به سرزمینی شکوفا بدل کرد. به هنگام بنای شهر آب آشامیدنی بدان رسانده شد و زمین های بی آب از راه کانال هایی که جویبار از آن جدا می گشت، آبیاری گردید. زمین هایی که پیش تر از آن خشک و بایر بود و کشتزارها و باغ های میوه بر بار و نیز زمین های پهناور به چراگاه بدل شد و اشتران آن در سراسر کشور آوازه یافت.» (۲۳)

این متن مربوط به ۷۱۴ سال قبل از میلاد مسیح است که آشوریان به اورارتو حمله کرده بودند. با پیروزی آشور امر آبیاری مختل شد. دهانه کانال بسته شد و به با تلاق بدل گشت (۲۲) باغ ها ویران گردید. کشتزارها چنان ویران گشت که یک خوشه نیز بر آن نماند. (۲۵)

مآخذ آشوری می گوید روسا فرمانروای اورارتو دریاچه های مصنوعی به وجود آورد. از جمله دریاچه واقع در کوه های وراگ، که کار ساختمانی آن بیش تر به دست اسیران و بردگان بوده است. در احداث کانال شمیرم نیروی عظیمی صرف شده است. تأسیسات آبیاری در اورارتو نه تنها آبیاری زمین های هموار بل که آبیاری زمین های کوهستانی را نیز از طریق کانال ها و جویبارها تأمین می کرد.

روسا شهر اولهه در شمال غربی اورارتو را به سرزمین شکوفائی بدل کرد. «در آن جا نهر بزرگی نظیر رود پوراتو (فرات) ساخته شد که جویبارهای بسیار از آن روان می شد و دشت را آبیاری می کرد. در کشتزارها، تاکستان ها، و باغ هایی از درختان میوه پدید آمد.» (۲۶)

در سنگ نبشته های میخی که از سرزمین متعلق به دولت وان به دست آمده است، از احداث کانال ها سخن رفته است. در این زمان از اشتر جهت آبیاری، و بیرون کشیدن آب از چاه استفاده می شده است.

در آغاز هزاره ی اول قبل از میلاد در اورارتو

نابرابری های اجتماعی به وجود می آید و کم کمک آثاری از وجود برده هویدا می شود. این را می توان از گورستان های این زمان یافت. در این موقع بردگان زنده زنده با ارباب به خاک سپرده می شدند. از بردگان در امر احداث کانال های آب استفاده می شده است. مدارک راجع به اورارتو بسیار قلیل است لذا نمی توان دقیقاً به چگونگی روابط اجتماعی آن جا پی برد. تا آن جا که مدارک بیان می کنند جوامع اشتراکی وجود داشته اند، چرا که در آن جا هنوز خدای محافظ جوامع اشتراکی دارای مقامی ممتاز بوده است.

## آبیاری در چین

چین یکی از کشورهایی است که راجع به تاریخ آن بحث های زیادی شده است. طرفداران شیوهی تولید آسیائی و استبداد آسیائی، بالاخص ویلفورگل، تاریخ این کشور را منطبق با این نظریه می دانند. و حتا ویلفورگل تاریخ چین را تبدیل به الگوی تحول شرق کرده است. از سال ۱۹۲۷ که انقلاب شهری چین شکست خورد این نظریات هم قدرت گرفت.

در چین از ابتدا مسئله ی آبیاری مشکلی بوده است که ضرورت ایجاد تأسیسات و شبکه های آبیاری را به وجود می آورد. دستور آب های زیرزمینی، آبیاری و زهکشی زمین و مبارزه با سیلاب ها را ایجاد می کرد. (۲۷) چینی ها از زمان های قدیم با کندن ترعه ها آب را از رودها به مزارع خویش می آوردند. بسیاری از این ترعه ها از میان کوه ها می گذشت. طغیان رودها یکی از مشکلات کشاورزی در چین بود. «رود هوانگ هو که چینیان آن را بدبختی چین می نامیدند، گاه به گاه از مسیر خود منحرف می شد، صدها دهکده را زیر آب می برد و صدها کشتزار دور دست را دچار بی آبی و خشک سالی می ساخت.» (۲۸)

در چین هنوز این ضرب المثل رواج دارد که لازمه به دست آوردن محصول آب است. (۲۹) اکنون نیز آب به وسیله ی تلمبه های برقی، که در سواحل رودخانه ها کار گذاشته شده است مهیا می شود. به این دلیل است که تلمبه های برقی در چین امروز مقدس هستند.

در اساطیر چین ایزد بانوی آب ها همانندی های زیادی با اناهیتای اساطیر ایران دارد. برای او نیز قربانی ها صورت می گرفت. او یاری دهنده ی پهلوانان راستین چینی است. (۳۰)

برای ساختن کانال ها و سدها از وجود برده ها استفاده می شده است. دولت امر ساختن تأسیسات آبیاری را به عهده داشته است و مردم را به شرکت در این امر تشویق و مجبور می کرده است. منابع موجود ثابت می کنند که در زمان امپراطوری شانگ بردگان زیادی وجود داشته اند. جنگ ها منبع عمده ای برای

یافتن برده بوده است در زمان حکومت سلسله ساسانی، جامعه ی برده داری در چین صورتی قطعی می یابد. ظروف مغربی حکایت می کنند که چهار تن از ریش سفیدان این ولایت و تعداد ۶۵۹ برده و هنر و کشاورزی و صنعت کار را به تو واگذار می کند، در ریش سفیدان بریرها ۱۳ تن و در برده گان ۱۰۵۰ تن به تو واگذار می کند. (۳۱)

در چین باستان نیز مثل جامع آسیائی دیگر، برده داری به صورت پادشاهی سخت جانی می کند. جامع اشتراکی موجود بود و حکومت صورتی متمرکز و استبدادی دارد. در تاریخ چین برده داری پادشاهی و پاترمونیالیسم زمان درازی پارچا می ماند، لذا برده داری منحصر به صورت غربی آن به وجود نمی آید. جامع اشتراکی به زندگی خود ادامه می دهند و برده داری خصوصی و آزاد وجود ندارد تا جامع اشتراکی را نابود کند و آن ها را به بزرگی کند تا زمانی که جامع اشتراکی همچو بار برده داری وجود دارد نشانه ی برده داری پادشاهی و نبود برده داری منحصر است، بنابراین گفته انگلس صحتی می یابد که، جامع اشتراکی قدیمی، در هر کجا که وجود داشته است، از هزاران سال قبل خشن ترین شکل دولت با استبداد شرقی را تشکیل می دادند. در این حکومت ها دولت خود بزرگ ترین و پیا شاید رهبر استعمار کنندگان خلق هاست. به قول مارکس، کلید کشف وضع مالکیت شرقی، عدم وجود کامل مالکیت خصوصی است، به عبارت ساده تر در تولید آسیائی زمین سر دست رئیس حکومت است.

ولی با این حال برده داری پادشاهی و جامع اشتراکی به کندی به طرف نابودی کشیده می شوند. مالیات های سنگین، جامع اشتراکی را به نابودی می کشاند. و کم کم شهرهای مستقل که ناشی از برده داری پادشاهی است، مرکز مردم گردان، فزاید بسیار بطی تر غروب است و علت آن همان است که استبداد آسیائی را به وجود آورده است. اگر در یونان با سازمان های پلیس ها و انجمن های دموکراتیک اشتراکی مواجهیم، در شرق فرایند تحویل از برده داری پادشاهی به برده داری حشمت گذر است. زیرا جلوی آن را استبداد گرفته است. دلیل این استبداد امر آبیاری است که به حکومتی قوی محتاج است. همین احتیاج به حکومت های آسیائی مشکل ویژه می بخشد. این ویژگی در برده داری به شکلی و فرایند است که در کلتی به نام مسئله ی آب اشتراک دارد.

۱- در این جامع برده داری به شکل برده داری خانگی است و لذا استعمار به صورت یونان و روم نیست. یونان نیز این دوران را منتهی، سریع تر طی

کرده است. در آن جا هم برده داری پادشاهی به صورت پرزخی بین جماعات اشتراکی ابتدائی برده داری وجود داشته است. عصر هویری نشانه ی چنین دورانی در غرب است. در ایلیاد و اودیسه فلاطان و کیتیون در کنار افراد آزاد مشغول کارند. تعدادشان کم است، و هنوز از جامعه ی آزادان منفک نشده اند.

۳. شهرها در شرق از استقلال دولت شهرهای یونانی برخوردار نیستند، ولی کم کم به وجود می آیند. دیاکونوف می گوید:

شهرهای یونانی در آسیای صغیر، مصر و اورشلیم و سبیار و میابل و اورک در زمان هخامنشیان به صورت دولت شهر بودند، که بعد از حمله اسکندر این شهرها افزایش یافتند.

۳. دولت خود بزرگ ترین برده داری هاست، و بسیاری از اراضی به حکومت تعلق دارد.

۴. جامع اشتراکی به صورت وسیع موجودند. در جامع شرقی فئودالیسم نیز خیلی دیر به مرحله ی دوم می رسد. لذا:

۱- تمرکز شدید است و خیلی دیر به ملک الطوائفی می رسد.

۲- به دلیل تمرکز شدید اغلب زمین ها دوش و دونی است، لذا عامل عمده ی استعمار مردم بهره مالیات است.

۳. هیزاری فئوالی دیر شکل می گرد. ۴. جامع آزاد روستائی سخت جانی می کنند. شهرها از روستا استقلال نمی گیرند و خود مرکز فئودال ها هستند. پس امکان رشد به بورژوازی نمی دهند.

مسئله آب در هند هم دیده می شود. مشکل آب ضرورت آبیاری مصنوعی را ایجاد می کند. کارهای زهکشی و آبیاری زمین از دیرباز در هند معمول بوده است. در هند برده داری به صورت پادشاهی است و جامع اشتراکی وابسته ی شرقی است. در ضمن پیش تر استادهای مارکس و انگلس درباره ی شیوه تولید آسیائی کشور هند می باشد.

این نگاه به تاریخ شرق با الگوی تحلیلی جامع ابتدائی برده داری است. برده داری به فئودالیسم بود که به نظر نویسنده ضرورت تا نافی الگوهای دیگری که موجود است و در آینده حتما در مورد شرق به وجود می آید نیست. این رو این الگو را روایتی از تاریخ شرق می نامم و نه فرا روایتی از آن.

در مقاله ی بعد خواهیم کوشید با الگوی که از تاریخ شرق با استفاده از ترکیب الگوی جامع ابتدائی برده داری به فئودالیسم و خصوصیات کشاورزی و استبدادی این جامع ارائه دادم به تاریخ ایران بپردازم. تا ببینم آیا با چنین الگویی می توان تاریخ ایران را بررسی و تبیین نمود یا این الگو جوابگوی تاریخ ایران نیست و باید به دنبال الگوی

دیگری برای تاریخ ایران بود

**پانویس ها:**

- ۱- رجوع شود به ا. م. دیاکونوف «تاریخ ماده، ترجمه کریم کشاورز، صفحه ۱۲۶.
- ۲- دیاکونوف «تاریخ جهان باستان» جلد اول، تهران ۱۳۳۷.
- ۳- استورود «ancient Mesopotamia» Moscow.
- ۴- Ibid مقاله استورود.
- ۵- تاریخ ماده صفحه ۱۵۶.
- ۶- رجوع شود به کتاب هفت، شماره ۱۶، جیل گشت به نثر شاملو.
- ۷- تاریخ ماده صفحه ۱۷۸.
- ۸- ancient Mesopotamia استورود.
- ۹- تاریخ ماده فهرست حواشی، صفحه ۷۱۶.
- ۱۰- استخری «مسالك و ممالك»، به کوش ابرح افشار.
- ۱۱- هردوت کتاب دوم صفحه ۱۷۵.
- ۱۲- به نقل از پتروفسکی «کشاورزی و مناسبات ارضی در عهد مابول»، ترجمه کریم کشاورز، صفحه ۱۹۶.
- ۱۳- ancient Mesopotamia استورود.
- ۱۴- Ibid مقاله استورود.
- ۱۵- Ibid مقاله استورود.
- ۱۶- رجوع شود به تاریخ ماده صفحه ۲۲۱.
- ۱۷- تاریخ ماده صفحه ۴۸۲ و ۴۸۳.
- ۱۸- حسن سمودی، «مروج الذهب و معادن الجواهر» ترجمه ابوالقاسم پاینده، صفحه ۹۵.
- ۱۹- همان صفحه ۹۵.
- ۲۰- هردوت، کتاب دوم، صفحه ۱۸۳.
- ۲۱- همان صفحه ۱۹۰.
- ۲۲- هردوت، کتاب دوم، صفحه ۱۹۰.
- ۲۳- پیتروفسکی «اورال نو» مترجمه عزابنده رضا، تهران، ۱۳۳۸، صفحه ۴۷.
- ۲۴- همان صفحه ۴۸.
- ۲۵- همان صفحه ۴۸.
- ۲۶- همان صفحه ۶۸.
- ۲۷- تاریخ جهان باستان، صفحه ۲۸۰.
- ۲۸- ویل دورانت «تاریخ تمدن»، جلد سوم، ترجمه امیرحسین آریان پور، صفحه ۱۰۴۸.
- ۲۹- دانش تشریحی ۱۰۰۰/۱۰۰۰/۱۰۰۰/۱۰۰۰ مردم چین، ترجمه ی حسن کاشفاد، صفحه ۱۴۷.
- ۳۰- بسرای اطلاع بیشتر رجوع شود به جی. سی. گویاچی «آئین ها و افسانه های ایران و چین باستان»، ترجمه ی جلیل دوستخواه، صفحه ۱۰۶.
- ۳۱- تاریخ جهان باستان، صفحه ۲۸۵.